

پایان لیگی که نه پویا بود نه بازیکن‌ساز و نه زیبا

خداحافظ فوتبال!

■ **فریدون حسن**

بیست‌و‌چهارمین دوره رقابت‌های لیگ برتر هم تمام شد. در یک نگاه کلی تراکتور قهرمان شد، سپاهان دوم، نساجی مازندران و هوادار سقوط کردند.
خب خبری از استقلال و پرسپولیس نیست، چرا؟ چون اولی خوش‌شانس بود که جایش را به نساجی داد تا با سلام و صلوات در لیگ برتر باقی بماند و دومی هم اینقدر نگوین بخت شد که به تمام تیم‌های پایین جدول باخت و هر چه طی یک دهه قبل به دست آورده بود به باد داد، البته هر دو تیم اینقدر پراده‌ها هستند که هنوز هم خودشان را بزرگ تصور می‌کنند و حتماً لازم است کسی با یک سبیلی به آنها بفهماند دوران بزرگی‌تان تمام شده و حالا برای بالا آمدن باید خیلی بجنگید و شاید هلدینگ و کنسرسیوم بانکی تا آخر این جنگ پشت‌تان نمانند که اگر اینچنین باشد، کارتان تمام است.

بگذریم، لیگ بیست‌و‌چهارم تمام شد. با همان حواشی همیشگی با همان نقاط ضعفی که فکر می‌کردیم هر چه جلوتر برویم کمتر می‌شود اما هر فصل بیشتر از فصل قبل تکرار می‌شود؛ لیگی پراز فحاشی و بی‌فرهنگی که در این کوتاه‌اصلاً قصد پرداختن به آن را نداریم اما می‌خواهیم بگوییم این لیگ بی‌اخلاق و بی‌فرهنگ حتی در بعد فنی هم هیچ حرفی برای گفتن نداشت؛ لیگی بدون ورزشگاه‌های مناسب و در حد استاندارد، لیگی با داوری‌های پرایراد که حتی سیستم VAR نصفه‌نیمه‌ای هم که به آن اضافه شد، نتوانست مشکلاتش را برطرف کند و تازه خودش شد «قوز بالا‌قوز»؛ لیگی خالی از استعداد، خالی از تکنیک و بدتر از همه خالی از تاکتیک، لیگی که از تماشای بازی‌های خسته می‌شوید و خیلی راحت می‌توانید بی‌خیال دیدن حتی دربی‌های آن شوید.

لیگ بیست‌و‌چهارم تمام شد؛ لیگی که نه پویا بود و نه بازیکن‌ساز،

«پرسپولیس» از اینجا رانده، از آنجا مانده

هدایت پرسپولیس را رد کرده بود، هدایت سرخپوشان را موقتاً به دست گرفت تا مدیریت باشگاه بعد از فراز و نشیب بسیار کارنال ترک‌تبار را به عنوان سرمربی جدید معرفی کند. مربی ترکیه‌ای نامیده گفت قرار نیست کار خاصی برای فصل جاری انجام دهد و مدام وعده سال آینده را داد، شاید به همین دلیل هم بود که پرسپولیس نه تنها از کورس قهرمانی عقب افتاد که دستش حتی به نایب‌قهرمانی و کسب سهمیه لیگ نخبگان و جام حذفی و حتی سوپر جام هم نرسید. آن‌هم در شرایطی که لیگ را به عنوان مدافع عنوان قهرمانی و با هدف هت‌تریک دوباره آغاز کرده بود و بدتر اینکه چهار بار در طول فصل به سپاهان باخت.



نقش حواشی را هم نمی‌توان در عدم نتیجه‌گیری این فصل سرخپوشان دست گم گرفت، با وجود این اما بسیاری بر این باور بودند که پرسپولیس در لیگ بیست‌و‌چهارم آن جسارت و شجاعت سابق را نداشت و به همین دلیل هم نتوانست هیچ موفقیتی کسب کند. این انتقاد بعد از شکست پرسپولیس به تیم دوم النصر در آزادی به پررنگ‌ترین شکل ممکن مطرح شد. اکثر پیشکسوتان بر این باور بودند وقتی باشگاه هر هزینه گزافی بابت جذب سرمربی متحمل

نه جذب بازیکنان گران‌قیمت، اما باوجود تمام انتقادات و ناکامی‌ها درویش که در تمام طول فصل شنونده شعارهای هواداران علیه خود بود، با وجود استعفا همچنان به کارش در جمع سرخپوشان ادامه داد، به این امید که شاید فصل آینده فصل متفاوتی باشد برای پرسپولیس، اما آیا این مهم با حضور آدم‌های تکراری در رأس کادرفنی و مدیریت این باشگاه محقق می‌شود؟ آنها که در فصلی که به پایان رسید هیچ گلی به سر پرسپولیس نزدند!

■ **دنیا حیدری**

لیگ بیست‌و‌چهارم در حالی به پایان رسید که مدافع عنوان قهرمانی نه فقط دستش به جام نرسید که با ایستادن بر سکوی سوم، از کسب سهمیه لیگ نخبگان هم جا ماند تا در کل فصل ناکامی را پشت سرگذاشته باشد، آن هم در شرایطی که این تیم طی هشت سال اخیر هفت مرتبه جام قهرمانی را بالای سر برده بود و هوادار پرسپولیس به قهرمانی این تیم عادت کرده بود. پرسپولیس که دو فصل قبل با یحیی گل‌محمدی و اوسمار موفق به کسب دو عنوان قهرمانی شده بود، نتوانست با گل‌ریدو مسیر قهرمانی را ادامه دهد، البته که گل‌ریدو یکی از انتخاب‌های پرتناقض بود که حضورش روی نیمکت سرخپوشان به درازا نکشید و بارها و بارها از روی سبک‌ها شعار حیاکن، رها کن را به گوش شنید. اوج این انتقادات بعد از شکست پر گل و خانگی سرخپوشان به مس رفتنجان در هفته سیزدهم بود که نه فقط پرسپولیس را دچار بحران کرد که خشم هواداران را نیز برانگیخت. چهار شکست در ۱۳ بازی یا به عبارتی دیگر سه شکست در پنج بازی آخر چیزی نبود که هوادار پرسپولیس تحمل آن را نداشته باشد و کار به جایی رسید که درویش چاره‌ای نداشت جز قبول خواسته هواداران و کنار گذاشتن مرد اسپانیایی. مربی که وقتی از جمع سرخپوشان جدا شد، این تیم به واسطه کسب تنها ۲۴ امتیاز از هفت برد، دو مساوی و چهار باخت در ده چهارم قرار داشت، البته که این جدا از نتایج ضعیفی بود که سرخپوشان در لیگ نخبگان کسب کردند(یک بر، سه مساوی و دو باخت) نتایجی که زمینه‌ساز عدم حضور پرسپولیس در مرحله بعدی این رقابت‌ها شد، البته که ناراضیانی از گل‌ریدو تنها به سگوها ختم نمی‌شد و بازیکنان و حتی پیشکسوتان هم از او شاکی بودند، خصوصاً بابت تغییرات پر تعداد در ترکیب تیم که مانع ایجاد ثبات می‌شد.

گل‌ریدو اما توافقی از جمع سرخپوشان جدا شد و اوین جدایی بر خلاف همیشه مشکلات مالی و بدهی‌هنگشتی روی دست باشگاه نگذاشت. بعد از این جدایی، کریم باقری که تا پیش از آن همواره پیشنهاد

■ **شیوانوروزی**

شرایط فصل و بازی‌های لیگ بیست‌و‌چهارم جوری پیش رفت که در نهایت سپاهانی‌ها به رغم از دست دادن جام قهرمانی، از کسب نایب‌قهرمانی لیگ و سهمیه پل‌آف لیگ نخبگان راضی و خوشحال باشند.

تیم متمول اصفهانی در این فصل نیز با دست‌باز و بدون مشکل اقتصادی بازیکن و مربی داخلی و خارجی به خدمت گرفت و طبق معمول مدعی عنوان قهرمانی بود، اما مثل یک دهه گذشته معلوم شد موفقیت در لیگ‌برتر فقط به خرج کردن ریخت و پاش نیست. سپاهان با هشت امتیاز کمتر



نسبت به تراکتور، دوم لیگ شد تا حسرت هوادانش برای قهرمانی در لیگ‌برتر ۱۰ ساله شود، البته آنها چندان ناموفق هم نبودند، موفقیت‌های زردپوشان در این فصل قهرمانی سوپر جام و کسب سهمیه حضور در پل‌آف لیگ نخبگان است که هر دو را از چنگ پرسپولیس در آوردند و این مسئله اهمیت زیادی برای سپاهانی‌ها داشت.

زردهای اصفهان فصل را با زوزه مورایس پرترغالی شروع کردند و در نهایت با پاتریس کارترون فرانسوی

«سپاهان» راضی از نایب‌قهرمانی

اول خود هیچ شکستی متحمل نشد. گل‌گهر اما نوار موفقیت‌های سپاهان با کارترون را پاره کرد و درواقع همین باخت ۲ بر یک خانگی بود که عملاً تکلیف قهرمان فصل را مشخص کرد.

از جمله موفقیت‌های طلایی پوشان در این فصل کسب چهار پیروزی برابر پرسپولیس است. در حقیقت گرفتن شش امتیاز حیاتی از تیم رقیب در لیگ، حذف پرسپولیس در جام‌حذفی و قهرمانی در سوپر جام با عبور از سد پرسپولیس افتخاری است که به پای کارترون و تیمش نوشته شده. بازی رفت لیگ در اصفهان با پیروزی ۲ بر یک میزبان تمام شد، فینال سوپر جام با برتری یک بر صفر زردپوشان در اراک به پایان رسید، در نقش جهان و در یک‌هشتان نهایی جام‌حذفی سپاهان ۳ بر ۲ قرمزهای تهران را شکست دادند و از آزادی هم سپاهان با زدن دو گل تیر خلاص را بر پیکر پرسپولیس زد. در مصاف با استقلال در هفته آخر پیروزی ۲ بر یک برابر تیم جباری، حکم حضور سپاهان در لیگ نخبگان آسیا را امضا کرد، البته در این میان نباید از عملکرد خوب سپاهان در ابتدای فصل و جذب چند بازیکن جوان از جمله لیموچی، حزباوی و گوذرزی به سادگی گذشت؛ بازیکنانی که کمک زیادی به سپاهان کردند. سپاهان تنها دو باخت را تجربه کرد و با کسب ۳۵ امتیاز از بازی‌های خانگی موفق‌ترین میزبان لقب گرفت، اما حالا و بر خلاف ابتدای فصل از اردوگاه زردپوشان خبرهای خوبی به گوش نمی‌رسد. گشته می‌شود کار ترور خیال ماندن ندارد و به زودی سرمربی جایگزین معرفی می‌شود. از طرفی شنیده می‌شود برخی از بازیکنان اسمی سپاهان نیز پیشنهادهای خوبی از تیم‌های تهرانی دارند و بانوجه به رقم‌های پیشنهادی انتقال‌شان را باید حتمی دانست. منطق فوتبال می‌گوید به ترکیب برنده نباید دست زد اما ظاهراً ترکیب برنده سپاهان در حال تلاشی شدن است. سپاهان برخلاف تیم‌های مدعی و رقبیش دغدغه چندانی بابت خرید بازیکن ندارد اما مهم این است که چه کسی و با چه هدفی از طرف سپاهان وارد بازار نقل و انتقال می‌شود؛ بازاری که جنگ آن برای ضربه زدن به حریفان چند هفته‌ای است آغاز شده است.

حاکمیت حاشیه و جنجال بر لیگ



کمیته انضباطی ونه کمیته اخلاق عملاً نتوانستند نقشی در کنترل و کاهش تنش‌ها ایفا کنند و حتی برخی آرای صادره به حواشی دامن هم زد، البته از حق نگذریم باید به در آمد بالای کمیته انضباطی فدراسیون از جرایم نقدی در نظر گرفته شده برای تیم‌ها، بازیکنان و مربیان اشاره کنیم و اینکه افزایش حواشی لیگ‌برتر مستقیماً باعث افزایش درآمد فدراسیون هم می‌شود. موارد ذکر شده گوشه‌ای از واقعیت‌های حاکم بر فوتبال باشگاهی ما هستند و قطعاً این مطلب گنجایش همه موارد جنجالی فصل اخیری لیگ‌برتر را ندارد. با شرایط فعلی و مدیریت فشل حاکم بر فوتبال، نه تنها نمی‌توان انتظار نزولی شدن حواشی در فصل آتی را داشت بلکه باید خودمان را برای جنجال‌های جدید آماده کنیم. قطعاً باز هم انتقال برخی بازیکنان جنجالی خواهد شد و باشگاه‌ها به جان هم خواهند افتاد. خبری از فرهنگ‌سازی و کنترل سگوها از سوی کانون هواداران باشگاه‌ها هم نیست، در نتیجه باید طی دوه ماه آینده خود را برای یک فصل پرحاشیه دیگر آماده کنیم.

■ **اشرف رامین**

فوتبال ایران بدون حاشیه معنا ندارد. اصلاً باید اعتراف کنیم فوتبال ما چیزی جز حاشیه نیست و هر بازی ۹۰ دقیقه‌ای ظرفیت به راه انداختن جنجالیه به اندازه یک هفته و شاید هم بیشتر را دارد. به هر گوشه مستطیل سبز نگاه می‌کنیم تا چشم کار می‌کند درگیری، جنجال، فحش و فضاحت، توهین و افترا، تهدید، شکایت و پرونده‌های انضباطی و اخلاقی می‌بینیم. این فصل نورعلی‌نور بود و از حیث جنجال‌های داخل و خارج از زمین، یک سر و گردن از فصول قبلی بالاتر بود. در کل لیگ بیست‌و‌چهارم یک روز خوش و بی‌سروصدا را پشت سر گذاشت. پرونده بیرانوند گل سربسب این حواشی بود و هنوز بعد از یک هفته از اتمام فصل، کماکان جنجالش ادامه دارد. انتقال او از پرسپولیس به تراکتور باعث شد این بازیکن در تمامی دیدارهایی که تراکتور میهمان بود، فحش بخورد و شعارهای تند هواداران و دل‌راهای تقلبی روی سرش را تحمل کند. توهین تماشاگران به یکدیگر و تیم‌های رقیب هم که طبق معمول همیشه به راه بود و شد شعارهای زشت در بازی‌های حساس چندین برابر شد. جدال پرسپولیس و تراکتور در تهران و درگیری شدید هواداران هنوز از یادمان نرفته است. در این میان کادرفنی تیم‌های مختلف نیز آتش‌پز می‌باشد که می‌شدند و هر زمان صلاح می‌دانستند کار را دست می‌گرفتند. اعتراض گسترده نیمکت‌ها به داوران و توهین به نیمکت حریف از جمله این حربه‌هاست و معمولاً هم جواب می‌دهد. از طرفی برخی تیم‌ها نفراتی روی نیمکت می‌گذارند که یک تنه بتواند حواشی استاندارد را مدیریت کند. خداداد عزیزی بعد از انتقال عجیبش به تراکتور دقیقاً همین نقش را ایفا کرد و از وقتی او روی نیمکت پرشورها نشست، همه نگاه‌ها به او جلب شد. بسیاری از سرمربیان وطنی نیز در کنفرانس‌های خبری قبل یا بعد از بازی با صحبت‌های تند و غریبی مسئولیت تاکامی‌های تیم‌شان را گردن این و آن می‌اندازند. مدیران باشگاه‌ها هم از غائله جنجال‌ها عقب نمی‌انند و تا نتوانستند علیه حریفان موضع‌گیری کردند و بی‌بانه نباشند. از طرفی صحبت‌های مدیران فدراسیون و سازمان لیگ نیز بعضاً دامن عامل تشدید حواشی می‌شد. در این بین نه



■ **شمیم رضوان**

کسب عنوان‌های فردی، یکی از افتخارات بازیکنان فوتبال است و در این بین آقای گل شدن بی‌تردید یکی از مهم‌ترین، پرافتخارترین و دشوارترین دستاوردی است که هر بازیکنی می‌تواند کسب کند، به همین دلیل هم است که هر ساله رقابت تنگاتنگی برای کسب این عنوان فردی وجود دارد؛ عنوانی که صرفاً افتخار فردی به حساب نمی‌آید و برای باشگاه‌ها و تیم‌ها نیز موقعیتی قابل توجه است که حتی می‌تواند جایگاه آنها را در آمار و ارقام ارتقا بخشد. در همین راستا، سپاهان یکی از پرافتخارترین تیم‌هاست که در شش دوره، آقای گل تیم از جمع زردپوشان اصفهانی بوده، بعد از سپاهان، پرسپولیس و استقلال با چهار آقای گلی، در رتبه‌های بعدی قرار دارند. بیشترین گل زده در یک فصل را رضا نوروزی از فولاد خوزستان با ۲۴ گل به نام خود ثبت کرده است، بعد از او عنایتی و آرش برهانی با ۲۱ گل، فرشاد پیوس، عنایتی، ادینهو و سجاد شهزاد با ۲۰ گل جزو بهترین